

آمدند
می که
ینند، از
نانچه از
ن جنس
بارک و

هر چه
همه چیز
سی بود
با آزادی
امی که
ا تا آخر
ستقبل و
مور کانه

تاریخ: ۵۸/۴/۳۰

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان رادیو دریا

بسم الله الرحمن الرحيم

می خواستند مملکت ما را از انسان خالی بکنند

دستگاه های رژیم سلطنتی و آن چیزهایی که از قبیل رژیم سلطنتی که رو بهمرفته بگوئیم رژیم الهی و غیر الهی، رژیم های غیر الهی برای اینکه وضع شان بر حسب نوع این است که به ملت خیانت می کنند و برای خودشان دستگاه درست می کنند و به منافع خودشان ملت را به کار می کشند و از ملت جدا هستند، برنامه های آنها این است که با کوشش ملت را به تباهی بکشند و نسل جوان را فاسد کنند. اگر نسل جوان فاسد نباشد آنها از آن خوف دارند و می ترسند که یک وقت نسل جوان یک عصبانی بکند و آنها را به تباهی بکشند از این جهت به وسائل مختلف کوشش می کنند که نسل جوان را به تباهی بکشند که از مسائل روز و از مسائل زندگی کنار باشند. وسائل متعدده از قبیل مطبوعات که در خدمت آنها، رادیو و تلویزیون، سینما، تئاتر، تمام اینها که در خدمت آن رژیم های غیر توحیدی هست، تمام اینها برای این است که ملت را عقب برانند و از توجه به مقدرات خودشان غافل کنند و احیاناً بکشانند به طرف خودشان و آنها سرگرم به کارهای غیر مقدرات خودشان بشوند و آنها هم منافع خودشان را ببرند و مطمئن باشند که کسی مخالفشان نیست و لهذا جمیع وسائل فساد جوان ها را اینها فراهم می کردند از قبیل مراکز فحشا که اطلاع لابد دارید که در تهران خصوصاً چقدر مراکز فحشا بوده است به طرق مختلف که بعضی از آنها گفتنی نیست اصلاً و همین طور اطراف دریا. در وقتی که، موقعی که مردم دریا می روند یکی از اموری که آنها دامن به آن می زدند همین اختلاطی بود که بین جوان ها و زن و مرد، و این نه از باب این بود که اینها می خواستند به جوان های ما مثلاً یک خوشی بکنند، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند. مراکزی که در آن مخدرات بود از قبیل مشروبات و دستگاه های تخذیری دیگری بود الی ماشاء الله. در سینما جوان های ما وارد می شدند، اگر چنانچه چند روز وارد می شدند عادت می کردند و سینما با آن صورت هایی که همه اش انحرافی بود، رادیوها همه انحرافی، مطبوعات از قبیل روزنامه ها، از قبیل مجلات، همه چیزهایی بودند که جوان های ما را منحرف کنند. و از جمله چیزهایی که باز مغزهای جوان ها را مخدر می کند و تخذیری است موسیقی است. موسیقی اسباب این می شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد تبدیل می شود به یک مغزی غیر آن کسی که جدی باشد، از جدیت انسان را بیرون می کند و متوجه می کند به جهات دیگر. تمام این

و سائلی که حالا این بعضی‌شان بود والی ماشاءالله وسائل درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از مقدرات خودشان غافل کنند و متوجه به جهات دیگر بکنند، منحرف کنند او را از مسائل روز که مبادا مزاحمش بشوند. این یک برنامه بسیار مفصلی بوده است که طرح شده نه اینکه من باب اتفاق مثلاً این مسائل واقع شده، نخیر، این یک طرح‌هایی است که آنهایی که طراح هستند، طرح کردند که این جوان‌ها را به تباهی بکشانند و علاوه بر این آن فشارهایی که بر مردم می‌آوردند و آن فشارهایی که به روحانیت می‌آوردند و آن فشارهایی که به دانشگاه‌ها می‌آوردند و به سایر اقشار، رویهمرفته می‌خواستند که مملکت ما را از انسان خالی بکنند و نیروی انسانی را به تباهی بکشند. دستگاه‌هایی که برای آموزش است، برای پرورش است، تبدیلش کرده بودند به دستگاه‌هایی که ضد او باشند. آموزش‌هایی که برای انسان مفید است، برای یک جامعه و کشوری مفید است، آنها حذف می‌شد و به جای او آموزش‌هایی که مخالف مسیر ملت بود، روی شهوات خود فرد بود لکن با مسیر ملت مخالفت داشت، با مصالح کشور مخالفت داشت آنها را می‌آوردند. مقالاتی که مربوط به سرنوشت ملت بود، امکان نداشت در روزنامه‌ها نوشته بشود و در رادیوها خوانده بشود. مقالاتی که مخالف مسیر ملت بود، مقالاتی که مخالف مصالح یک ملت بود، مخالف مصالح جامعه بود، اینها رایج بود و مجلاتی که باید تربیت کند نسل جوان را، مبدل شده بود به آن تربیتی که همه ملاحظه کردید که مجلات ما چه وضع افتضاح‌آمیزی داشت. همه برای این بود که جوان‌ها را از مسیری که دارند و مسیر انسانی که باید اینها بروند، منحرف کنند به یک مسیر دیگری و استفاده کنند. استفاده همچو بکنند که تمام مصالح یک کشور را از بین ببرند، همه چیز را به تباهی بکشند، همه مخازن ما را به اجنبی دهند و کسی نیاشد که چرا بگوید، برای اینکه توجه مردم را از آن چیزی که مربوط به زندگی‌شان است منحرف کردند. وقتی جوان‌ها که اساس یک مملکتی هستند، پایه یک مملکت هستند، همه جوان‌ها بروند طرف فحشا، طرف مواد مخدره، متوجه بشوند به این مجلات و به این اوضاع و به آن وضع رادیو و تلویزیون و به آن مسائلی که بود، دیگر برای جوان نه وقتی می‌ماند که فکر کند در این امورو نه مغزش کار نمی‌کند. موسیقی از اموری است که البته هر کسی برحسب طبع خوشش می‌آید، لکن از اموری است که انسان را از جدیت بیرون می‌برد و به یک مطلب هزل می‌کشانند، دیگر یک جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعت را با موسیقی سر و کار داشته باشد (که اینها شاید اکثر را دیوشان و تلویزیون‌شان از همین قسم‌ها بود) یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند پای موسیقی و اکثر اوقاتش را صرف بکند در اینکه پای موسیقی بنشیند و اینها، این از مسائل جدی بکلی غافل می‌شود، عادت می‌کند، همانطور که به مواد مخدره عادت می‌کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند. فکر انسان را موسیقی جوژی می‌کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلش فکرش را بکند. از این جهت اینکه پافشاری داشتند به اینکه رادیو آنطور باشد و تلویزیون آنطور باشد و مطبوعات و مجلات آنطور باشد و روزنامه‌ها آنطور باشند و سینماها آنطور

خاطر این بود
او را از مسائل
اینکه من باب
تند، طرح کردند
ر آن فشارهایی
ر، زویهمرفته
دستگاه‌هایی که
ضد او باشند.
ف می‌شید و به
ملت مخالفت
ثبت ملت بود
مسیر ملت بود
جیلاتی که باید
تا ما چه وضع
نی که باید اینها
مام مصالح یک
نتی نباشد که
فی کردند. وقتی
تا فحشا، طرف
بزیون و به آن
بار می‌کنند.
است که انسان
کرد که روزی
نشان از همین
بصرف بکنند در
سی شود، عادت
می‌کنند، دیگر
ن را موسیقی
ط به موسیقی
نیطور باشد و
سینماها آنطور

باشند و همه رویهمرفته دست به دست هم بدهند و این ملت را سرگرم بکنند به این امور و همه مخازن ما را بپرند که الان که رفتند و گم شدند برای مملکت ما یک چیز سالم نمانده، هر جایش دست بگذاری ناسالم است. هیاهو کردند، فریاد کردند که ما می‌خواهیم شما را به دروازه تمدن بزرگ برسانیم و واقع مطلب دور کردن ملت بود از اصل تمدن، تا چه برسد به تمدن بزرگ. همه را دور کردند از تمدن، از آنی که استقلال انسان را درست می‌کند، استقلال فکری انسان را. تا انسان استقلال فکری نداشته باشد، نمی‌تواند یک فرد مفید باشد. و اینها می‌خواستند فرد مفید پیدا نشود، اصلاً اینها از انسان می‌ترسیدند. اینها دیدند که یک مدرس، در زمان رضاخان یک مدرس بود که در مجلس بود نگذاشت رضاخان آنوقت که می‌خواست جمهوری را درست بکند، مدرس نگذاشت ولو برخلاف مصالح شد و اگر درست شده بود بهتر بود، لکن آنوقت اینها نظر سوء داشتند، یعنی او به سلطنت که نرسیده نبود، او می‌خواست رئیس جمهور بشود و بعدش حالا کارهای دیگر بکند و کسی که جلوی او را گرفت مدرس بود که نگذاشت این کار عملی بشود. کسی که تا آخر ایستاد در مقابلش و بالاخره هم جانش را از دست داد، مدرس بود که نگذاشت او کارهایی بکند، لکن آخرش هم در یک جایی شهیدش کردند. اینها نمی‌خواهند یک انسان پیدا بشود، کوشش دارند که دانشگاه اینقدر که مورد توجه‌شان است و مورد هجومشان هست و تا بتوانند نمی‌گذارند که برنامه‌های دانشگاه یک برنامه‌های صحیح باشد. اگر هم از آنجا فرض کنید یک برنامه صحیح باشد، نمی‌گذارند اینها استقلال داشته باشند هر روز یک غائله و یک بساط درست می‌کنند، غائله‌هایی ایجاد می‌کنند که جوان‌های ما سرگرم بشوند. در محیط ما هم همین طور، غائله درست می‌کنند، می‌کردند، هر روز یک غائله‌ای درست می‌کردند، یک بساطی درست می‌کردند که همه را سرگرم به او بکنند، و از مسائل اصلی و انسانی ما دور باشیم. جزء همین مسائل، قضیه دریاست که حالا شما مطرح می‌کنید و قضیه دریا این بود که این جوان‌های نارس و این دخترهای نارس در دریا بریزند به جان هم و هر کاری می‌خواهند بکنند نسل ضایع بشود، انسان ضایع بشود. یک انسان جوانی که چند ماه در اطراف دریا رفت و دو تا جوان با هم مخلوط شدند، این دیگر نمی‌تواند فکر بکند که نفت ما را وقتی می‌خواهند ببرند باید چه کرد. اصلاً فکر این معنی در ذهن جوانی که آنطوری است نمی‌آید، آن فقط توجه به این دارد که یک شعر عاشقانه بخواند و یک عاشق و معشوقی باشد، اصلاً فکر می‌رود سراغ اینگونه مسائل، مسیر عوض می‌شود. اینها روی نقشه کار می‌کنند من باب اتفاق این نشیده که دریا اینطور باشد، اینجور نشده که دریا اینطور باشد که آنطور وسائل برایشان فراهم می‌کردند. از فراری که می‌گویند همه وسائل را برایشان فراهم می‌کردند، تشویق‌شان می‌کردند، به همه این مسائل انحرافی تشویق می‌کردند. اینها برای این بود که جوان‌ها را با هر ترتیبی که شده، با هر جوری که شده از مسیر زندگی خارج کنند تا اینکه یک ملتی فقیر باشد و نفهمد که الان چیست یک مملکت فقیر الان ما داریم و ملت نمی‌دانست چس هست. حالا که اینها رفتند، چشم‌شان باز شده و می‌بینند تمام انبارها را خالی کرده‌اند و قرض کردند و بردند تمام جواهرات را اینها یعنی اکثر جواهرات ما را رضاشاه برد که به انگلیس‌ها رسید و بسیاری هم ایشان

برده که نمی‌دانم به که خواهد رسید. بانک‌های خارج پر است از ارزهای اینها و پول‌های اینها و جوان‌های ما توجه به این مسائل نداشتند برای اینکه توجه خودشان را منصرف کرده بودند به یک جاهای دیگر یک روح جوان تازه رسیده که الان وقت شهواتش هست، اگر مسایل شهوی برای او به آنطور رایج بشود و مسائل جدی به آنطور مغفول عنه بماند، بالاخره این جوان آنطور بار می‌آید، دیگر در زمان پیری هم که دیگر به درد نمی‌خورد، کاری از او بر نمی‌آید. آنوقتی که نیروی جوانی است و باید به کار بیاید آنوقت این نیروی جوانی منحرف است که تهی شده از آنی که بوده، یک چیز دیگری جایش نشسته، مسائل دیگری هست از قبیل همین مسائل غربی و غربزدگی که اینها بساط طولانی دارد. بالاخره با تمام مسائل حساب کرده روی نقشه‌ها، بسیار محتمل است که از خارج این نقشه‌ها ریخته می‌شود و اینهایی که می‌خواهند منافع ما را ببرند، آنها نقشه می‌دهند و اینها اجرامی کنند یا کارشناس‌ها می‌آیند به اینجا و نقشه می‌دهند و اینها اجرا می‌کنند. اینها یک مسائل حساب شده‌ای است و روی یک مقاصد پلیدی که خارجی‌ها داشتند و خود دستگاه داشت.

رادیو و تلویزیون آموزنده باید باشد

الان انشاء الله امیدواریم که این مسائل یک مقداری حل بشود و دست آنها بحمدالله الان کوتاه است و امیدواریم که تا آخر کوتاه باشید. رژیم رفته است و امیدواریم که دیگر برنگردد و نخواهد برگشت. حالا باید جدی بگیرد مسائل را، از آن هزل و شوخی و مسائل غیر جدی برگردد به آن مسائل جدی، مملکت‌تان را اداره کنید، خودتان باید اداره کنید. دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو آموزنده باید باشد، قدرت بدهد به جوان‌های ما، جوان‌های ما را نیرومند کند نباید دستگاه تلویزیون جووری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند، جوان‌هایی که نیرومند هستند از نیرومندی آنها را برگردانند به یک حال خمار و خلسه مثل همان تریاک و ... موسیقی با تریاک فرق ندارد، تریاک یک جور خلسه می‌آورد این یک جور خلسه می‌آورد. اینها باید تبدیل بشود. اگر بخواهید مملکت‌تان یک مملکت صحیح باشد، یک مملکت آزاد باشد، یک مملکت مستقل باشد، مسائل را از این به بعد جیدی بگیرید، رادیو و تلویزیون را تبدیلی کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده، موسیقی را حذف کنید نترسید از اینکه به شما بگویند که کهنه پرست شدید. باشد ما کهنه پرستیم، از این نترسید. همین کلمات نقشه است برای اینکه شماها را از کار جدی عقب بزنند. اینکه می‌گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد، آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی را می‌گیرند، بگذار بگیرند از جاهای دیگر، شما عجلاناً آلوده نباشید، آنها کم‌کم برمی‌گردند به اینجا. این عذر نیست که اگر موسیقی نباشد در رادیو، آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر جای دیگر می‌گیرند ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟! ما باید خیانت نکنیم؟! موسیقی خیانت است به یک مملکتی، خیانت است به جوان‌های ما، این موسیقی را حذف کنید بکلی، عوض آن یک چیزی بگذارید آموزنده باشد، کم‌کم مردم را و جوان‌ها را عادت به آموزندگی بدهید، از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانید. اینکه می‌بینید

و
ا
ه
ز
و
ی
و
ا
ا
ی
نا
هد
آن
و
ین
را
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی
ی

که جوان‌ها اگر این نباشند می‌روند سراغ موسیقی و جای دیگر، برای این است که اینها عادت کردند و این شاهد بر این است که جوان‌های ما فاسد شدند. الان ما موظفیم که این نسلی که فاسد شد برگردانیم به صلاح و نگذاریم آن کوچک کوچک‌های ما فاسد بشوند و اینها را جلوشان را بگیریم. باید جدی باشد این مسأله. اختلاط زن و مرد در دریا هم از همان نقشه‌ها بوده باید مردم جدیت کنند، خودشان جلو بگیرند و دستگاه‌های انتظامی و حکومت‌ها و اینها جلوگیری بکنند و خود مردم جلوگیری بکنند رادیو این معنی را تبلیغ بکند که نباید اینطور باشد، مفاسدش را به آنان بگوید و همین‌طور رادیو یک دستگاهی باشد برای آموزش، برای پرورش یک ملتی. با رادیو و تلویزیون از همه چیز بهتر می‌شود پرورش داد مملکت را، برای اینکه رادیو و تلویزیون هم ملا و آدمی که سواد دارد از او استفاده می‌کند هم آن کس که سواد ندارد، اما از دستگاه‌های دیگر مثل روزنامه و مجله یک دسته می‌توانند استفاده بکنند در یک جاهای محدودی. این الان رادیو و تلویزیون جوری شده است که دز همه جا الان شما می‌گویید که رادیوی ما را چهار میلیون جمعیت می‌شنود. رادیوها یک جوری شده است که حالا همه قشرها می‌شنوند. این از راه سمع و بصر شما می‌توانید خدمت بکنید به این مملکت، چنانچه خیانت کردند به این مملکت، بهتر می‌شود به آن آموزش و تربیت داد و مرفی کرد و جوان‌ها را به آن تربیت کرد، برای اینکه همه گوش می‌کنند و همه جوان‌ها گوش می‌کنند و دهاتی‌ها و روستائی‌ها و آنها همه، هر کس توانست، یک رادیو پیدا می‌کند و نتوانست، رفته منزل رفیقش و گوش کرده است. در هر صورت این دستگاه‌ها باید تبدیل بشود، اگر بخواهید مملکت‌تان بماند در دست‌تان و اگر همان بساط و همان برنامه‌ها باشد، بدانید که حالا اگر نشود بعد از چند سال دیگر دوباره برگشت می‌کند به همان مسائل و دوباره بدبختی برای اعقاب شما خواهد بود.

انشاء الله خداوند همه را تأیید کند و همه ملت ما را بیدار کند و همه ملت ما به مصالح خودشان آشنا بشوند و از آن نقشه‌هایی که برای ما کشیده‌اند انشاء الله مطلع بشوند و خنثی کنند آنها را.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته